

عاریه

اشتقاق

بعض از لغویین مثل صاحب صحاح و غیره عاریه را با تشدید یاء و بعض دیگر با تخفیف آن ذکر نموده اند و هم چنین بعضی با استدلال اینکه گرفتن مال بعنوان عاریه متضمن عار و ننگ میباشد کلمه را مأخوذ از عار دانسته و جمعی گفته اند از «عار» مشتق شده که مصدر دوم برای فعل «عار» می باشد و بعض دیگر آنرا از «عار» گرفته اند که بمعنی آمد و رفت می باشد بمناسبت اینکه مال عاریه بین معبر و مستعیر مورد نقل و انتقال و تحویل می باشد.

در قرآن آیه که صریحا از موضوع عاریه گفتگو نماید وجود ندارد ولی اخبار زیادی در این خصوص وارد شده با این همه فقها بدو آیه زیر نیز استدلال میکنند:

۱ - تعاونوا علی البر والتقوی (سوره المائده) بموجب این آیه مسلمین در امور خیر بهم دیگر باید کمک نمایند و اعاره هم نوعی از اعانت می باشد.

۲ - و یمنعون الماعون (سوره الماعون) که بموجب این آیه خداوند اشخاصی را که ما بحتاج کوچک زندگی را از یکدیگر مضایقه می کنند مذمت فرموده است.

تعریف عاریه

نظر ماده ۶۳۵ قانون مدنی «عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین بطرف دیگر اجازه میدهد که از عین مال او مجانا منتفع شود ماده ۱۸۷۵ قانون مدنی فرانسه بتعریف فوق اضافه میکند: «مستعیر هم متعهد می شود پس از انتفاع عین مال را بمعبررد نماید» اشکال مهمی که بعض از محققین بتعریف فوق الذکر وارد میدانند اینست که نظر بماده ۶۳۷ قانون مدنی فقط مالی می تواند موضوع عقد عاریه گردد که انتفاع از آن با بقای اصلش ممکن باشد پس

چیزی که انتفاع از آن مستلزم اتلاف عین باشد نمی تواند موضوع عقد عاریه واقع گردد و حال آنکه تعریف مذکور شامل این موضوع نیز می باشد.

در موردیکه انتفاع از مال عاریه مستلزم اتلاف عین معاره باشد صحت و عدم صحت عقد عاریه بین فقها محل اختلاف می باشد، جمع کثیری معتقدند که در این صورت عقد صحیح نیست زیرا لفظ عاریه نه لغة و نه عرفا دلالتی بر تملیک عین ندارد و متبادر بذهن از کلمه این است که مستعیر با بقاء عین از آن منتفع شود و بنا بر این با صیغه «اعرنک» نمی توان عین مال عاریه را اتلاف نمود ولی برای این حکم کلی مستثنیاتی نیز ذکر نموده اند مثل اینکه اعاره «منحه» را برای انتفاع از شیر آن جایز دانسته اند و هم چنین بر صحت عقد عاریه در موردیکه حیوانات برای انتفاع از مو و پشم آنها استفاده می شود حکم داده اند ولی چنانچه میدانیم عقد تابع قصد طرفین می باشد و لفظ در آن چندان مضامین است و اگر اثر انتزاعی عقد عاریه تملیک عین باشد چنانچه در اعاره ماکولات و مشروبات متبادر بذهن همین است دیگر در صحت عقد در موردیکه انتفاع از مال مستلزم اتلاف عین معاره باشد اشکالی نخواهد بود.

قانون مدنی فرانسه و بلژیک عاریه را بر دو قسم منقسم نموده اند:

۱ - عاریه برای انتفاع با بقاء اتلاف عین مال
Prêt à usage

۲ - عاریه برای انتفاع با عین مال
Prêt de Consommation

(رجوع بماده ۱۸۷۴ قانون مدنی فرانسه و مواد مربوطه از قانون مدنی بلژیک)
بموجب قانون مذکور عاریه برای انتفاع با بقاء عین

هم نیست مگر اینکه در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد و یا اگر عاریه مطلق بوده بر خلاف متعارف استعمال کرده باشد و در صورتیکه شرط ضمان شده باشد مسئول کسر و نقصان خواهد بود حتی اگر ضرر مربوط بعمل او هم نباشد. ماده ۱۸۸۰ قانون مدنی فرانسه نیز میگوید: مستعیر مکلف است مال عاریه را مانند يك شخص رشید مال اندیش En bon père de famille نگاه داری کند هرگاه آنرا در غیر مورد اذن و پاپس از انقضای مدت مقرر در مورد اذن استعمال نماید مسئول خسارت وارده می باشد اگرچه ضرر و زیان در اثر حادثه قهری وارد شده باشد.

در صورتیکه مستعیر از معیر طلبکار باشد نمی تواند مال عاریه را بمنوان تقاص در مقابل طلب خود نملك نماید (ماده ۱۸۸۵)

مال عاریه که طلا یا نقره است

بموجب ماده ۶۶۴ قانون مدنی در عاریه طلا و نقره اعم از مسكوك و غیر مسكوك مستعیر ضامن است هر چند شرط ضمان نشده و تقریباً یا تعدی هم نکرده باشد در قانون مدنی فرانسه در این خصوص بین طلا و نقره و اجناس دیگر فرقی گزارده نشده و تمام اموال عاریه تابع مقررات واحد قرار گرفته است ولی در اسلامی این موضوع سابقه دارد چنانچه اسحق بن عمار از حضرت ابی عبدالله نقل می کند: «در صورتیکه مال عاریه طلا یا نقره باشد مستعیر از نقصان و تلف مسئول است هر چند ضمان شرط نشده باشد زیرا: این دو عاریه مضمونه می باشند»

مطابق ماده ۶۳۸ قانون مدنی ایران عاریه عقدی است جایز و بقوت یکی از طرفین منفسخ می شود. قانون فرانسه در این موضوع به تفصیل قائل است و می گوید: «تعهدات ناشی از عاریه (عاریه انتفاع بشرط بقاء عین مال) در حق وارث، تعاقبین نافذ می باشد مگر اینکه شخصیت معیر علت عمده عقد باشد که در این صورت و نه مستعیر نمی توانند از مال عاریه استفاده نمایند.

مال ذاتاً امر مجانی است ولی برای جبران خسارت مال عاریه که تلف شده مستعیر مکلف است معادل آنرا بمعیر رد نماید (ماده ۱۸۹۲)

معنی حقوقی عاریه در اوائل اسلام

در وقعه هوزان که در سال هشتم هجرت اتفاق افتاده پیغمبر هفتاد زره «درع حطمی» از صفوان بن امیه که در آن تاریخ هنوز بدین اسلام مشرف نشده برد استعاره فرمود صفوان عنوان این معامله را استعمال کرد پیغمبر فرمود زره ها بعنوان عاریه گرفته شده و بمشارالیه پس داده خواهد شد پس از این وقعه بین اصحاب مرسوم شد که هرگاه بین متعاملین رد عین معاره شرط شده باشد باید پس داده شود و در صورت تلف خسارت آن جبران گردد. (۱)

مستعیر

بموجب ماده ۶۴۰ قانون مدنی و دو ماده بعد مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی باشد مگر در صورت تقریباً یا تعدی و مسئول منقصت ناشی از استعمال مال عاریه

(۱) از این خبر که در «من لایحضره الفقیه» و کتب دیگر نقل شده مستفاد این است که در صدر اسلام عاریه برای انتفاع با بقاء عین مال و با اتلاف عین آن هر دو مرسوم و متداول بوده است.

صفوان پسر عمه پیغمبر است مادر او ام هانی دختر عبدالمطلب می باشد پس از فتح مکه در صدد فرار از شهر نامبرده بود ولی از طرف پیغمبر تأمین باو داده شد و در مکه سکونت داشت تا حضرت بجنگ هوزان از مکه حرکت فرمود مشارالیه با اینکه هنوز دین اسلام را قبول نکرده بود در این سفر از ملتزمین رکاب بود پیغمبر در مراجعت از سفر در نقطه از اراضی جعرانه غنایم را باز دید فرمود صفوان بکثرت غنایم با دیده تعجب نگاه میکرد پیغمبر فرمود کثرت غنایم باعث تعجب توشد؟ صفوان عرض کرد بلی پیغمبر تمام آن غنایم را بوی بخشید صفوان تمام آنها را جمع آوری نموده و بیدرنک بدین اسلام مشرف شد.

هزینه عاریه

نظر بماده ۶۴۶ قانون مدنی ایران هزینه لازم برای انتفاع از مال عاریه بر عهده مستعیر است و هزینه نگاهداری آن تابع عرف و عادت است مگر اینکه شرط خاصی شده باشد قانون فرانسه نیز هزینه انتفاع را به عهده مستعیر دانسته

واضحه می نماید:

هرگاه در اثنای مدت برای حفظ عین معاره هزینه فوق العاده لازم شود و برای مستعیر کسب تکلیف از معیر مقدور نباشد مصارف ضروری را معیر باید باو بپردازد .
وحدت

تاریخچه تکامل قضائی

ولگردی در قانون کیفری فرانسه

بدانند منبع قامت معین میگذرد قانونگذار فرافسه مقررات خاصی برای ولگردی اطفال قائل نشده بود و دادگاهها عملادر این مورد نیز مفاد مواد ۶۶ و ۶۹ قانون کیفر همگانی را در باره آنها اعمال میکردند یعنی اگر مسلم بود که طفل عالماً و عمداً با داشتن ادراک و تمیز Avec discernement ولگرد شده او را زندانی میکردند و اگر ثابت نبود و دادرس یقین داشت که بدون ادراک و تمیز مبادرت بولگردی کرده Sans discernement بزندانش نمیفرستاد باقوام و در صورت نداشتن باشخاص غیر یا بنگاههای تربیتی می سپرد مدتها این وضع ادامه داشت دادگاهها از لحاظ نبودن بنگاههای تربیتی و کمیاب بودن اشخاصی که هم خود را مصروف نگاهداری اطفال نمایند و بالاخره برای پیش بینی از خطرات و مفاسدی که اقامت اطفال در زندان ایجاد میکرد کلیه صغار ولگرد را تبرئه میکردند و استدلال میکردند که طبق مفاد ماده استنادیه شرط اصلی توجه اتهام نداشتن مسکن و مأوای مخصوص است و صغار منزل اقوامشان اقامتگاه قانونی آنهاست و بنا بر تعریف دارای مسکن و مأوای هستند و نمیشود آنها را ولگرد خطاب کرد هیئت عمومی دیوان کشور در ۲۱ مارس ۱۸۲۳ این استدلال را مخالف روح و مفاد قانون دانسته باشکستن آراء صادره از دادگاه شهرستان

پیش گفتیم که ولگردی در قانون کیفری فرانسه بزه بشمار رفته و پس از اثبات اتهام بموجب دادنامه ولگردی زندانی میشد امروزه قانونگذار فرانسه در تحت تأثیر عقاید علما و متخصصین حقوق جزا و پیشرفت عقیده طرفداران آموزش و پرورش - و ترقی و رشد اجتماعی فرانسویان برای ولگردان دیگر کیفر قائل نشده مقررات پیشین را صریحاً ملغی کرده درمان خاصی برای مداوای مبتلایان باین درد تجویز نموده است که بنا بر آمار و گزارشات شهربانی و شهرداری ها بسیار مفید و مؤثر واقع شده ما بطور مختصر قوانین مصوب راجع بولگردی علت تکامل و تغییر آنها و جهات پیدایش تصویبنامه هیئت وزیران را در اینجا شرح خواهیم داد.

در قانون کیفر همگانی فرانسه مصوب ۱۸۱۰ سه ماده زیرین در خصوص ولگردی موجود بوده است:

ماده ۲۶۹ ولگردی بزه بشمار میرود .

ماده ۲۷۰ ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مخصوص یا بوسیله معاش معلوم یا شغل یا حرفه بمعینی نداشته باشد.

ماده ۲۷۱ ولگردان از سه تا شش ماه زندانی خواهند شد و پس از اتمام کیفر دولت برای آنها هر قدر که لازم